تلاش برای قهرمانی در غرب آسیا

سوسن صادقی

بازی فوتبال بانوان در کشور ما سابقه دارد، چرا که نخستین تیم فوتبال بانوان ایران به وسیله باشگاه استقلال (تاج سابق) شکل گرفت و منصور پورحیدری سرمربی نخستین این تیم بود. در سال ۱۳۴۹ زمانی که تیم استقلال در اوج بود و قهرمان باشگاه های آسیا شد، علاقه مندان به فوتبال در میان بانوان زیاد شد و با تماس های فراوان با این باشگاه قهرمان، خواستار تشکیل تیم شدند که این امر هم میسر شد و حتی تیم تاج با تیم های فوتبال بانوان آلمان و بلژیک نیز مسابقه داد و سپس تیم فوتبال پاس بانوان تشکیل شد و تا انقلاب اسلامی ادامه یافت.

چند سالی نیز هست که باز تب فوتبال در میان بانوان ایرانی زیاد شده است و همین مسأله موجب شده تا مقدمات حضور بانوان در این رشته فراهم شود. یعنی بعد از نزدیک به ۲۲ سال فعالیت زنان در این رشته توپی پرهیجان آغاز شد. انجمن فوتبالی در سال ۷۹ شکل گرفت اما کار با رشته فوتسال شروع شد. رقابت های فوتسال جوانان با حضور ۲۵ تیم در سال ۱۳۸۰ برگزار شد. سپس رقابت های منطقه ای این رشته پا گرفت که سرانجام در سال ۸۱ رقابت های رسمی به صورت دسته یک فوتسال در شرکت ۸ تیم دنبال شد که این رشته هم اکنون با جدیت کار خود را دنبال می کند. رقابت های لیگ انجام می شود و تیم ملی فوتسال بانوان که با بهترین های این رشته شکل گرفته است، خود را برای رقابت های داخل سالن ماکائو در آبان ماه سال جاری آماده می کند.

فوتبال بانوان در سال ۱۳۸۴ کار خود را با نام «فوتبال» به صورت جدی آغاز کرد. فوتسالیست هایی که عاشق فوتبال و بازی بر روی چمن بودند و قابلیت انجام این رشته را داشتند، تیم بانوان فوتبال را تشکیل دادند و شروع به تمرین این بازی کردند، آن هم با امکانات بسیار ناچیز. در همین سال با فراخوانی تیم های فوتبال بانوان در استان ها شکل گرفت. سپس ۲۴ تیم رقابت هایی را برگزار کردند و در پایان شرایط حضور تیم ها در ۳ دسته ۱، ۲ و ۳ شکل گرفت و رقابت ها در سال ۸۵ ادامه یافت. با ادامه این رقابت ها و حضور نماینده فدراسیون در رقابت ها، افراد توانمند و مستعد به تیم ملی دعوت شدند.

حضور در رقابت های خارجی، مهم ترین آرزوی اکثر ورزشکاران رشته های ورزشی بانوان ایران است که در بعضی رشته ها، با طراحی لباس مشکل آنها رفع شده است. در رشته فوتبال نیز زمینه حضور زنان ایرانی با لباس و پوشش اسلامی در رقابت های برون مرزی فراهم شد. فوتبالیست های ایران با بلوز آستین بلند، شلوار و روسری توانستند در نخستین حضورشان در رقابت های غرب آسیا در اردن (سال ۸۵) صاحب عنوان نایب قهرمانی شوند. عنوانی که به دست آمد با کمترین امکانات، دو ماه تمرین در زمین پر از چاله و چوله، چهار مرحله اردو و با دانش مربیان ایرانی به دست آمد و تصاویر تیم بانوان ایران در اکثر روزنامه های جهان چاپ شد و همین درخشش موجب شد، بن همام رئیس کنفدراسیون فوتبال آسیا در نامه ای به کشورهای عضو، از آنها بخواهد تا تیم فوتبال بانوان ایران را در رقابت های خود بپذیرند.

وقتی دنیا فهمید زن ایرانی هم می تواند فوتبال بازی کند و حجاب برای آنها مانعی برای ادامه فعالیت هایش نیست و مسأله پوشش، اعتقاد زن ایرانی است و خللی در کار و عشق و علاقه آنها به فوتبال ایجاد نمی کند تیم منتخب باشگاه آلمان درخواست بازی با تیم ملی فوتبال ایران را داد. این تیم به ایران آمد و در باشگاه آرارات، دو تیم با هم صف آرایی کردند و حتی تیم میهمان آلمانی هم داوطلبانه پذیرفت که لباس و پوشش تیم ایران را بپوشد تا هم بازی با این لباس را بیازماید، هم به قول خود آنها بازی در فضای عادلانه ای انجام گیرد.

دومین حضور

تیم ملی فوتبال ایران با همه فراز و نشیب هایی که داشته است، خود را برای دومین حضور در رقابت های غرب آسیا که اواخر مهرماه برگزار می شود، آماده می کند و داعیه قهرمانی هم در سر دارد. برای آمادگی تیم، ۸ مرحله اردو و رقابت های تدارکاتی داخلی و خارجی در نظر گرفته شده است. خدیجه سپنجی، نایب رئیس فدراسیون فوتبال در امور بانوان می گوید: از اسفندماه ۱۳۸۵ اردوهای تدارکاتی تیم ملی فوتبال بانوان آغاز شده است و هر اردو ۱۰ یا ۲۰ روز بوده و ادامه اردوها هم به همین ترتیب خواهد بود.

بانوان فوتبالیست با پوشیدن لباس جدید که طراحی آن بسیار زیبا و شکیل تر از لباس قبلی است، اردوی خود را در سال جدید بدون حضور «جوشین فنگ»، سرمربی چینی خود آغاز کردند، چرا که وی در مرخصی است و به کشورش سفر کرده است و اینک شهرزاد مظفر مربی ایرانی تیم ملی بازیکنان را آماده می کند. جوشین فنگ سرمربی چینی تیم ملی فوتبال بانوان ایران که از کودکی فوتبال بازی می کرده است، دارای بالاترین مدرک بین المللی کنفدراسیون فوتبال آسیا (A+) است. وی به آینده فوتبال بانوان ایران بسیار امیدوار است. این جمله را وی می گوید و ادامه می دهد: قدرت بدنی بازیکنان ایرانی عالی است، اما در زمینه تکنیک و تاکتیک مشکلاتی داریم که باید با تمرین و تلاش مداوم آنها را حل کنیم. «جو» سیستم ۴-۴-۲ را برای بازی ها پیاده می کند چرا که معتقد است این تیم در ابتدای راه است. وی می گوید: بانوان ایران در بازی فوتبال علاقه مندی و انگیزه بالایی دارند و همانطور که در نخستین حضورشان درخشیدند، می توانند با تلاش فراوان دوباره صاحب عنوان خوبی شوند. شهرزاد مظفر مربی تیم، کسب عنوان قهرمانی در رقابت های غرب آسیا را سخت نمی داند و حتی می گوید: ایران قهرمان غرب آسیا می شود، به شرطی که رقابت های تدارکاتی خوبی برگزار شود. این شرط کار را سخت می کند، چرا که هنوز دیدار تدارکاتی برگزار نشده است و تیم تجربه کافی ندارد. و دیدار تدارکاتی خارجی مهم تر از دیدارهای داخلی است، تا این تیم بتواند خود را محک بزند.

«صدیقه بدری» سرپرست تیم ملی فوتبال بانوان درباره دیدارهای تدارکاتی می گوید: در ماه های اردیبهشت و خرداد، ۲ دیدار تدارکاتی با تیم های داخلی خواهیم داشت و در مرداد و شهریور نیز دو دیدار تدارکاتی خارجی در نظر گرفته شده است و در صورت امکان مسابقه برگشت دوستانه با تیم منتخب بانوان باشگاه های آلمان را نیز پیش از برگزاری این رقابت ها، انجام خواهیم داد.

تغییر ترکیب تیم ملی

ترکیب تیم ملی فوتبال بانوان ایران نسبت به تیم قبلی که در رقابت های غرب آسیا سال گذشته در اردن با تیم های (اردن، فلسطین و سوریه) شرکت داشت، ۷۰ درصد تغییر کرده است و فقط ۳۰ درصد از بازیکنان سابق در تیم حضور دارند.

اکنون ترکیب تیم در اردو را نیلوفر اردلانی، مژگان آذرگشت، مدینه دین محمدی، حمیده سلطانی زاده، فاطمه ارژنگی، مینا هاشمی، فرشته کریمی، سهیلا لرستان راد، بیان محمودی، کوهستان خسروی، سمیه باستانکی، پریا نوروزی، نسیمه غلامی، آذر موسوی، ندا عبداللهزاده، سمیه جاورسی، مستوره رحمانی، زهره کولایی، سهیلا معمولی، فاطمه دغاغله، زهرا قنبری، زمرد سلیمانی، پرستو کهن، سلمان رضوی، بهار سپاهی، سمیرا جهاندار و زهرا هاشمی تشکیل می دهند که بیشتر از تیم های خوزستان، هرمزگان، بوشهر، فارس، ایلام، کردستان، لرستان، مازندران، گیلان و تهران هستند. تیم فوتبال بانوان از بازیکن خارجی هم بهره می برد. نازمیلا فتحی و کتایون خسرویار دو بازیکنی هستند که در خارج بسر می برند و لژیونر تیم محسوب می شوند که در اردو حضور ندارند.

مشکلات تیم

به نظر می رسد، مربیان و بازیکنان تیم از وضع موجود راضی نیستند، چرا که آنها با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم می کنند.

شهرزاد مظفر، مربی تیم دغدغه مهم خود و مهم ترین مشکل را عدم فعالیت و حضور مستمر باشگاه ها در فوتبال بانوان می داند، چرا که به علت کمبود امکانات و نبود زمین چمن، مشکلات زیادی برای برگزاری لیگ وجود دارد، هزینه اجاره زمین نیز بسیار سنگین است.

وی می گوید: وقتی تیم ها در طول سال حمایت شوند، به تیم ملی کمک می شود. پشتوانه سازی را باید باشگاه ها برای تیم ملی انجام دهند.

فراهم نشدن دیدارهای تدارکاتی فکر دیگری است که مظفر را رنج می دهد. او اعتقاد دارد، باید تجربه به دست آوریم وگرنه خیلی عقب می مانیم. ما می توانستیم در رقابت های آسیایی قطر مانند تیم اردن شرکت کنیم. آنها رفتند در حالی که همترازما بودند، آنها به طور حتم با این حضور تجربه بالایی اندوخته اند که ما تجربه نکردیم و در رقابت های پیش رو بهتر ظاهر خواهند شد.

معصومه جهانجی، کاپیتان تیم ملی بانوان ایران است. او ۶ سال فوتسال بازی کرده و ۲ سال است که فوتبال بازی می کند. وی عمده ترین مشکل تیم ملی را ناماسب بودن زمین می داند و می گوید: اگر تمرینات در زمین بهتری انجام می شد، تعداد افراد آسیب دیده کمتر بود. بازیکنان انگیزه بالایی دارند و کمبود امکانات خللی در آنها ایجاد نمی کند، ولی اگر شرایط بهتر باشد، نتایج بهتری حاصل خواهد شد، انتظار ما این است که مسئولان و شرکت های خصوصی و باشگاه ها از ما حمایت کنند.

زهرا سلیمانی ۲۵ ساله دروازه بانی که اهل ایلام است، او هم از زمین ناماسب گله مند است. وی می گوید: وقتی در کمپ تیم ملی تمرین می کنیم، خیلی خوب است. اما زمین شماره ۳ به هیچ وجه خوب نیست آنقدر خاک و سنگریزه دارد که همه پلهوهایم پوستش رفته است!

نزدیک به ۶ ماه برای آمادگی تیم ملی فوتبال بانوان ایران برای شرکت در رقابتهای غرب آسیا، زمان باقی است. در این زمان می توان، بهترین برنامه ها را ریخت، امکانات را فراهم کرد تا این تیم که داعیه قهرمانی در سر دارد، به آرزوی خود برسد.

آنها می خواهند بگویند زن ایرانی می تواند با رعایت اصول اعتقادی خود، موفق باشد. آنها می خواهند بگویند که اگر حمایت شوند می توانند در آینده ای نه چندان دور به موفقیت های بالاتری برسند. پس امید است مسئولان، به ویژه مهندس محمد علی آبادی، رئیس سازمان تربیت بدنی که آرزوهای درخشش بانوان را در عرصه های مختلف دارد، دستور فراهم کردن امکانات بیشتری را برای علاقه مندان به این رشته، یعنی تیم ملی فوتبال فراهم نماید.

درباره کاپیتان همیشه مؤثر و خوشبین میلان

مالدینی: حالا نوبت منچستر است

سه شنبه این هفته که میلان در نخستین بازی رفت از مرحله نیمه نهایی فوتبال جام قهرمانان باشگاه های اروپا در اولدترافورد روبه روی منچستر یونایتد قرار می گیرد، می تواند یک شب ویژه برای پائولو مالدینی باشد.

بله، کاپیتان ۳۹ ساله و تمام نشدنی میلان پس از ۲۲ سال بازی پیوسته در سن سیرو هنوز در صحنه حاضر و همچنان از بهترین های تیم است. چندی پیش که میلان و بایرن مونیخ آلمان در دیدار برگشت مرحله یکچهارم نهایی در آلیانزآره نای مونیخ رودررو ایستادند، ژرمن ها چنان به خود و نتیجه این رویارویی مطمئن بودند که یک کانال بزرگ تلویزیونی در آلمان در تبلیغات پرشمار قبل از مسابقه خود این رویداد را «شب بایرن» خواند اما چنین نبود و کلارنس سیدورف هلندی و فیلیپو اینزاگی زرنگ و ۳۴ ساله در همان ۳۰ دقیقه نخست دوبار دروازه اولیور کان را فروریختند و سپس دفاع میلان به سرکردگی مالدینی تا پایان مقاومت و این برتری را حفظ کرد تا این تیم برای چهارمین بار در ۵ سال گذشته به نیمه نهایی مطرح ترین جام باشگاهی جهان برسد.

مالدینی که سال ها مدافع چپ بود و چند سالی است که در دفاع وسط هم بازی می کند ۱۱ روز پس از دیدار برگشت با بایرن می گوید: «من با همان دید مثبت همیشگی و با خوشبینی با آن دیدار برخورد کردم. تیم ما سرشار از بازیگران خلاق و نفراتی است که می توانند حریفان را غافلگیر کنند و روحیه خوبی هم دارد و این قضیه را بارها به اثبات رسانده است. حالا نوبت منچستر یونایتد است. فکر می کنم آنها (منچستری ها) هم ترجیح می دادند که به جای ما با بایرن روبه رو بشوند. حتی مربی آنها (الکس فرگوسن) به استادیوم آمده بود تا بازی را از نزدیک ببیند. او از ما حساب می برد.» دو فصل پیش که دو تیم در مرحله یک هشتم نهایی جام رودررو شدند، روسوتری هر دو دیدار رفت و برگشت را با نتایج مشابه ۰-۱ برد. با این حال منچستر این برتری روحی را دارد که در مرحله قبلی پیکارها رم، دیگر ایتالیایی ها را با نتیجه ۰-۷ در مسابقه برگشت خرد کرده و هر چند میلان، رم نیست اما اگر کریس رونالدو و رونی همان طور بازی کنند که در برابر رم دیده شد، مالدینی و یارانش هم امنیت نخواهند داشت.

یونایتد عالی است، اما ...

از سال ۱۹۵۸ که یوونتوس با نتیجه ۰-۷ به تیم «ویدنر اس. سی» اتریش باخت، هیچ تیم ایتالیایی در یک مسابقه رسمی باشگاهی اروپا این همه گل نخورده بود، با این حال مالدینی مطمئن است که چنین اتفاقی برای او و یارانش رونی نمی دهد. او می گوید: «مشخص است که منچستر دوباره اوج گرفته و نفراتی مانند رونالدو و

رونی فوق العاده اند، ولی ما ترسی از آنها نداریم و با روحیه ای عالی با اولدترافورد می گذاریم. چیزی که ما را از دیگران متمایز می کند، سازماندهی و تشکل روحی و وحدت رفتاری در میلان است. ما عزم راسخی هم داریم و در سال های پیش هرگاه لازم بوده، درجام باشگاه های اروپا قوی عمل کرده ایم.»

قرمزو سیاه های شهر میلان در ۶ نوبت قهرمان باشگاه های اروپا شده اند و تنها یک بار اتفاق افتاده است که یک «مالدینی» درمیان شان نبوده باشد. در سال ۱۹۶۳ که میلان برای نخستین بار قهرمان شد، چزاره مالدینی پدر پائولو از مدافعان ثابت تیم بود و در سال های ۱۹۸۹، ۱۹۹۰، ۹۴ و ۲۰۰۳ که میلان این افتخار را تکرار کرده، پائولومالدینی بامتانت و درعین حال قدرتمندانه درخط دفاعی تیم رؤیت می شد و تنها قهرمانی سال ۱۹۶۹ میلان بدون مشارکت یک «مالدینی» به دست آمده است.

وسعت افسانه و تأثیرگذاری او به حدی است که گفته می شود وقتی مالدینی سرانجام کفش ها را بیاویزد پیراهن شماره ۳ او نیز برای همیشه کنار گذاشته شده و به اصطلاح بازنشسته خواهد شد و دیگر کسی آن را به تن نمی کند و میلان یک «شماره ۳» نخواهد داشت.

به ظاهر قرار گذاشته شده است که اگر یکی از پسران مالدینی به حد و اندازه ای رسید که توانست برای تیم اصلی میلان به میدان آید، آن پیراهن دوباره قابل استفاده خواهد شد و بر تن پسر وی خواهد رفت وحالتی به جز این برای بهره گیری از این پیراهن و شماره منصور نیست. از قضا کریستین پسر بزرگ پائولو که ۱۳ سال دارد، مدتهاست در تیم جوانان باشگاه بازی و تمرین می کند و گفته می شود که سران میلان به کارگیری او را برای تیم اصلی باشگاه نیز به عنوان یک احتمال در ذهن دارند و منتظرند ببینند او در سال های بعدی در این زمینه جواب می دهد یا نه، هرچند خود پائولو در ۱۶ سالگی وارد تیم اصلی شد.

عجین با یکدیگر

باوارد شدن نسل سوم از خاندان مالدینی به صف بازیگران میلان، شهرت و نفوذ این خانواده در سن سیرو تبدیل به پدیده ای خاص شده و به واقع موجب عجین گشتن نام مالدینی با میلان شده است. در حالی که پیش ازاین گفته شده بود مالدینی در پایان این فصل بازنشسته می شود، اکنون تنهاچیزی که در ارتباط با وی بیان می گردد، این است که پائولو برای انجام عمل جراحی بر روی زانوی مصدومش تا پایان فصل صبر می کند تا بتواند میلان را در واپسین مسابقات فصل جاری جام قهرمانان همراهی و در ترسیم سرنوشت این تیم مشارکت نماید و تنها پس از آن به بیمارستان خواهد رفت. اما پس از کسب این همه پیروزی و افتخار چه چیزی مالدینی را به پیش می راند و به ادامه حرکت و استمرار حضور در میدان و می دارد؟ خودش می گوید: «من عاشق این محیط و ورزش فوتبال و رقابت جویی موجود در آن هستم. همین که احتمال دار یک بار دیگر به فینال برسیم، کافی است تا مرا به ادامه حضور در میدان و حضور در دیدار بامنچستری ها متقاعد سازد. شور و شوق شرکت در بازی فینال می تواند مرا به صحنه این نبردهای سخت بکشاند و توانی را به من می بخشد که شاید دیگر نتوان در مردی به سن و سال من یافت.» بله، کاپیتان سابق تیم ملی ایتالیا که پس از اتمام جام جهانی ۲۰۰۲ به بازی در سطح ملی پایان داد، هنوز پرشور و مشتاق و البته قدرتمند و مؤثر است.

منبع: uefa

درباره دیدیه دروگبا

مهاجم برجسته ساحل عاجی

مظهر پیشرفت و قدرت در فضایی پرتشنج

وصال روحانی

نمایش درخشان دیدیه دروگبا مهاجم ۲۹ ساله اهل ساحل عاج در فصل جاری تشناگرف عزم راسخ او بوده است. این بازیکن قدرتی با زدن بیش از ۳۰ گل تبدیل به کلیدی ترین مهره در چلسی شده و فراتر از سایر بازیگران این تیم لندنی فتوحات پرتعدادی را برای چلسی رقم زده و حتی به نظر می رسد اختصاص یافتن عنوان مردسال فوتبال آفریقا به وی که چندی پیش صورت پذیرفت، تنها بخشی از توانایی های وی را پاسخ گفته باشد. او که با پیروزی در انتخابات کنفدراسیون فوتبال آفریقا در سال ۲۰۰۶ به ۳ فتح پی درپی سامول اتوئوی کامرونی و بارسلونایی در این گزینش پایان داد و اجازه نداد این رقیب به نخستین فرد فاتح ۴ دوره پیاپی این انتخابات بدل شود و یکی از ۶ کاندیدای عنوان مردسال فوتبال انگلیس (از دیدگاه اتحادیه فوتبالیست های حرفه ای این کشور) هم هست، در ابتدای فصل به ظاهر با مشکل الحاق آندری شوچنکو اوکراینی به چلسی مواجه بود و عده ای می گفتند فروغ شوآ او را به شدت به زیرسایه خود خواهد برد. با این حال وضع برعکس شد و این دروگبا بود که با گلزنی ها و بازی های جانانه خود شوچنکو را زیرسایه خود محو کرد و در فصلی که مصدومیت های مکرر و شدید، جان تری را بی اثر کرد و در بسیاری از هفته ها از زمیدان دور نگه داشت، به ستاره چلسی بدل شد. با این که فرانک لمپارد نیز ازهفته دهم به بعد رقابت های لیگ برتر انگلیس درخشش گذشته اش را بازیافت اما باز این دروگبا بود که این پیکارها را قبضه کرد و برخی گل های او ازجمله در برابر لیورپول و اورتون در صحنه های داخلی و بارسلونا در جام قهرمانان باشگاه های اروپا به عنوان برترین گل های سال انگلیس کاندیدا شده اند.

از همان ابتدای ۲۰۰۶

دروگبا که حتی برای تصاحب عنوان بازیکن برتر سال انگلیس نیز با کریستیانو رونالدوی پرتغالی از منچستر یونایتد رقابت داشته، از همان ابتدای سال ۲۰۰۶ وحین برپایی مسابقات جام ملتهای آفریقا نشان داده بود که می خواهد فراتر از اتوئوبه بهترین فوتبالیست قاره سیاه بدل شود. از قضا تیم های ملی ساحل عاج و کامرون در مرحله یکچهارم پایانی آن پیکارها رودررو ایستادند و کار به ضربات پنالتی کشید و درحالی که اتوئو پنالتی اش را از دست داد، دروگبا پنالتی سرنوشت ساز و آخر تیمش را درون دروازه کامرون نشاند و سبب پیروزی و صعود ساحل عاج شد.

درنهایت ساحل عاج در فینال به مصر میزبان مسابقه ها در یک جنگ دیگر ضربات پنالتی بازنده و نایب قهرمان شد، اما تردیدی نبود که دروگبا حتی فراتر از مصری های قهرمان ستاره رقابت ها بوده است.

در دور پایانی جام جهانی ۲۰۰۶ نیز خبری ازکامرون نبود، زیرا این تیم در دور مقدماتی حذف شده بود، اما ساحل عاج در این مرحله حاضر بود و هرچند برخلاف غنا از گروهش بالا نیامد، اما دروگبا خوب کار کرد و یک گل زد و باز هم نماد و البته کاپیتان تیم ملی کشورش بود. در بازگشت به صحنه پیکارهای باشگاهی، دروگبا باید در تیمی می درخشید که به دلیل قهرمانی های یکطرفه اش در دو فصل گذشته بیش از هر زمانی در معرض تهاجم و مخالفت تیم های رقیب قرارداشت. او باید تیمی را سربا نگه می داشت که سردروازه بان اصلی اش (پیترچک) در یک برخورد در مسابقه با ویگان شکست و وی را برای ۴ ماه حاشیه نشین ساخت و به دلیل مصدومیت های بی شمار جان تری و جوکول و اشلی کول و وین بریج، آنها را نیز برای مدت های طولانی دراختیار نداشته و جوکول در طول فصل فقط ۵ بار برای چلسی به میدان رفته است.

کمترین فاصله

با این حال دروگبا حاضر بود تا حتی بر روی ضربات ایستگاهی عقب بنشیند و درون محوطه جریمه خودی در هیأت یک مدافع دفع خطر کند و داخل محوطه جریمه حریفان به عنوان پیکان اصلی چلسی هدف تهاجمات قرار گیرد اما تیمش همچنان پیروز بماند و به اهدافش برسد. در ۶ ماه اول سال اتوئو با بارسلونا دوباره فاتح لیگ اسپانیا شد و جام قهرمانان اروپا را هم برد و آقای گل لیگ این کشور نیز شد، اما در نیمه دوم سال کم پیدا گشت و به دلیل مصدومیت شدید با چیزی حدود ۵ ماه از صحنه دور ماند و این همان مقطعی بود که در آن دروگبا به یکی از برترین ها بدل گشت و هر هفته به گونه ای خبرساز بود. با این حساب از همان زمان می شد حدس زد که دروگبا بالاتر از اتوئو مرد سال فوتبال آفریقا خواهد شد. حتی در سال ۲۰۰۵ نیز که اتوئو از دروگبا پیشی گرفته بود، فاصله امتیازی میان آنها در رأی گیری کنفدراسیون فوتبال آفریقا (CAF) از ۲ پوئن فراتر نمی رفت که این نزدیکترین رقابت در تاریخ انتخابات این نهاد محسوب می شد.

تفاوت محسوس دروگبا نسبت به فصول قبلی، ارتقای فنی او است، به طوری که گل ها و حرکاتش فراتر از سابق و به گونه ای است که وی را از یک بازیکن فیزیکی صرف به مهاجمی کامل تر و صاحب توانایی های فنی خاص بدل کرده است. در فینال جام اتحادیه انگلیس که در دهه اول اسفند ۸۵ در شهر کاردیف ولز برپا شد، گسیل یک ترکیب جوان از جانب باشگاه آرسنال به میدان اعصاب ها را در استمفورد بریج تخدیر کرده و فشار روحی و ذهنی زیادی را به مردان چلسی وارد کرده بود، اما این مسأله هم دروگبا را متوقف نکرد و او دو گل فرصت طلبانه زد تا چلسی عقب ماندگی ۰-۱ خود در برابر آرسنال را به برد ۱-۲ بدل کند و این جام را برای دومین بار طی ۳ سال گذشته به دست آورد.

گنج گرانبها

همان دیدار نیز نشانگر توان فراوان مردی بود که در سال های پیش گفته می شد بیش از حد در پی امور حاشیه ای و بعدی در تلاش است اما امسال آشکارا تغییر رویه داده و حتی وقتی روی اوبی در پی خطا می شود، دعوا نمی کند و بر خود و اوضاع مسلط تر است. در پی دخالت بیش از حد رسانه ها در امور زندگی دروگبا وزوم کردن آنها بر روی برخوردهای وی در داخل میدان، او قصد داشت در اوایل تابستان ۲۰۰۶ لندن را ترک گوید و به تیم دیگری بپیوندد و میلان ایتالیا هم او را می خواست، اما وی در نهایت ماندنی شد تا چلسی بیش از پیش بفهمد چه گنج گرانبهایی را در اختیار دارد.

اهمیت کارها و گلزنی های مکرر دروگبا در فصل جاری زمانی مشخص تر می شود که در نظر بگیریم میان خوزه موری نیو سرمربی پرتغالی و رومن ابراموویچ مالک روسی چلسی اختلاف ها و تقابل های آشکاری وجود داشته و همین مسأله جو باشگاه را متشنج کرده و در چنین فضایی تنها بازیکنی که قدمی به عقب برنداشته و ثابت نمانده و برعکس قدم هایش به سمت جلو محسوس جلوه کرده، دروگبا بوده است؛ مهاجمی که پیش از آمدن به لندن در تیم مارسی فرانسه هم می درخشید، اما در چلسی تبدیل به یکی از مطرح ترین های فوتبال شده است و اگر جز این بود، در هر دو انتخابات مرد سال فوتبال اروپا و جهان در فصل ۲۰۰۶ هم جایی در جمع ۱۰ نفر دنیا نمی یافت.

منبع: African digest